

# سازماندهی پس از جنبش اشغال وال استریت

HOW TO ORGANIZE AFTER OCCUPY WALL STREET

**LEAH HUNT-HENDRIX AND MAX BERGER**

PUBLISHED IN THE JULY 7-14 PRINT VERSION OF "THE NATION," AND ON THENATION.COM  
TRANSLATION: CENTER FOR NONVIOLENT ACTION STUDIES, JULY 2014  
THENATION.COM, JUNE 18, 2014

# TRANSLATOR'S NOTES

# سازماندهی پس از جنبش اشغال وال استریت



admin | تیر ۱۳۹۳ | 0 Comments

جنبش‌های مدنی

Like 21 Tweet

نوشته لی هانت-هندریک و مکس برگر

ترجمه مرکز مطالعات بی خشونت

این مطلب ترجمه ای از نوشته دو تحلیلگر جنبش وال استریت آمریکاست. آنها بررسی می کنند چگونه فعالان این جنبش را پس فروکش ها سازماندهی و مطالباتش را پیگیری کردند

زمان آن فرارسیده که ببینیم چگونه می‌توان دموکراسی را به آمریکا آورد. ما از راه مشارکتان در جنبش « وال استریت را اشغال کن » شاهد بودیم که می‌توان یک جنبش انقلابی علیه اقتصاد فاسد سرمایه داری و سیستم سیاسی تحت کنترل عده‌ای معدود از ثروتمندان، به وجود آورد. اکنون زمان آن رسیده است تا با خلق رهیافتی برای این جنبش، آن را پیروز کنیم.

چشم انداز یک انقلاب دموکراتیک نیاز به سطح بالایی از تعهد و رهیافتی روشن دارد که در نگاه اول ممکن است دلهره آور بیاید، به‌خصوص در زمانی که نیروهای پیشرو در بسیاری از جبهه ها شکست می‌خورند. اما برای تقویت نیرو ها هیچ زمانی بیشتر از زمان نا امیدی بهتر نیست، هنگامی که نیاز ما به تغییر بیش از هر زمان دیگری روشن است.

یک رهیافت هوشمندانه انقلابی سه بخش دارد: تشکیل مؤسسات جایگزین که مثالی از جامعه ایده‌آل ما را به وجود می‌آورند، جنبش‌های اجتماعی که مقاومت مردمی را در برابر نهاد های فاسد در راس قدرت بسیج میکنند، و نهادهای سیاسی مستقل که پیروزی های پیشرو را در غالب قانون محقق می‌سازند. همانند پایه‌های یک سه پایه، هر کدام از این برنامه ها لازم هستند، اما به تنهایی کافی نیستند.

ما می‌خواهیم در جامعه‌ای زندگی کنیم که در آن کرامت و خوش بختی همه افراد از راه تأمین تمام نیازهای اولیه آن‌ها، برآورده می‌شود. اما بازتوزیع (فرصت‌ها) به تنهایی برای تأمین حقوق برابر، برابری اقتصادی، و پایداری محیطی کافی نیست: ما به دموکراسی اقتصادی نیاز داریم. تا زمانی که ما کنترل بر روی بانک‌ها را به دست نیاورده‌ایم، تا زمانی که کارگران شرکت‌های بزرگ نقشی در تعیین روند کاری این شرکت‌ها ندارند، تا زمانی که جوامع کوچک حق مالکیت زمین را ندارند، تا ابد محکوم به ادامه مبارزه‌ای سخت و نفس‌گیر هستیم.

گروه‌هایی مانند همبستگی اقتصاد نوین، شروع به برداشتن قدم‌های اولیه در راه تحقق این هدف کرده‌اند، اما برای نزدیکتر شدن به این هدف باید میزان سرمایه‌گذاری بر روی این اقتصاد جدید افزایش قابل توجهی یابد. برای شروع می‌توانیم سرمایه‌گذاری نهادها و دانشگاه‌ها را از روی پروژه‌های اقتصادی متمرکز بر سوخت‌های فسیلی که مانند زندانی خصوصی تنها توسط چند نفر اداره می‌شوند، به سوی پروژه‌های اقتصادی که از سوخت‌های تجدید شنی استفاده می‌کنند و توسط گروه‌های محلی اداره می‌شوند، سوق دهیم. اعضا اداره کننده این برنامه‌های اقتصادی اعضای یک جامعه کوچک خواهند بود که در قبال یکدیگر و نیز در برابر نسل‌های آینده نیز مسئول و پاسخگو هستند. طرح‌های اقتصادی محلی، اقتصادی جدید را در قالب پوسته

اقتصاد قدیمی خواهد ساخت.

در کنار ایجاد نهادهای جایگزین، جنبش های مقاومت مدنی باید سلطه انحصارطلبانه ثروتمندان بر روی قدرت را زیر سؤال ببرند. مقاومت های مدنی - مانند جنبش حقوق مدنی در آمریکا- تنها هنگامی موفق شد که افراد تحت سلطه با روند حاکم قوانین همکاری نکردند. بر اساس مطالعه ای توسط اریکا چنووِث (Erica Chenoweth) از دانشگاه دنور، تمام مقاومت های مدنی بی خشونت که دست کم ۳.۵٪ مشارکت مردمی را در بر داشته اند، در راه رسیدن به اهداف خود به پیروزی رسیده اند.

مقاومت های مدنی از راه ساختن فرصت برای مشارکت مردم عادی در مبارزات - و نه تنها اعضا جنبش-، حمایت گسترده مردمی را به دست می آورند. سازمان دهندگان جنبش های مدنی در آمریکا معمولاً با اتخاذ رهیافت های اشتباه در این زمینه به تله می افتند. مثلاً ساختارهایی سلسله مراتبی را به وجود می آورند که نمی توانند اوج بگیرند (مانند اتحادیه هایی که نمی توانند اعتصاب کنند)، یا بسیج عمومی بسیار گسترده و افقی در سطح جامعه را به وجود می آورند که هدف و رهیافت مشخصی ندارند و به سرعت از هم می پاشند (مانند جنبش اشغال وال استریت). سازمان دهندگان در این کشور باید از روش هایی که توسط جنبش های مقاومت در بهار عربی و پیش تر از آن در انقلاب های رنگی اروپا استفاده شد، سر مشق بگیرند. این جنبش ها از راه پیوند ساختار جامعه و بسیج عمومی که قابلیت اوج دادن به مبارزات و نیز برنامه ای برای پیروزی داشت، به موفقیت رسیدند و توانستند به حکومت های دیکتاتوری پایان بخشند.

اما حتی موفق ترین جنبش های مقاومت مدنی نیاز به سازماندهی پایدار، مستقل و قدرتمند دارند تا بتوانند رویای خود را به قانون تبدیل کنند. در مصر جنبش جوانان ۶ آوریل توانست از راه مقاومت مدنی حکومت دیکتاتوری مصر را سرنگون کند، اما پس از آن اختیار انقلاب را از دست داد، چرا که هیچ سازماندهی که بتواند قدرت را در دست بگیرد در اختیار نداشت. در آمریکا ما نیاز داریم یک ساختار سیاسی مستقل با بنیادی پایدار و ماندنی بسازیم که قادر باشد قدرت را در دست بگیرد و در اصلاحات پیروز شود - مانند حزب خانواده های کارگر. حزب خانواده های کارگر از همبستگی (بعضی اوقات ناقص) میان چندی از سازمان های محلی، اتحادیه های کارگری و فعالان پیشرو تشکیل شده است. این حزب از راه مشارکت در روند های انتخاباتی و نیز کارزارهای موضوعی قدرت لازم برای انجام وظیفه مشکل چانه زنی با قدرت های سیاسی دیگر را، به دست می آورد. به جای تکیه بر حزب دموکرات به مثابه موتور محرک تغییرات اجتماعی، این حزب متحدان کارگری و محلی را گرد هم می آورد تا از کاندیداهای مورد نظر خود در مراحل اولیه انتخابات حمایت کنند و در نتیجه آن ها را به پیروزی برساند (گاهی اوقات این چالش ها شامل انتخابات درون حزبی هم می شود). این برنامه ها با هدف به دست آوردن پیروزی های پیشرو و قدرت نفوذ هر چه بیشتر بر روی دموکرات های قدرتمند و نیز دست راستی ها اجرا می شوند.

سرمایه گزاری جدی مالی، نیروی انسانی و گروه های محلی در شبکه های ایالتی مانند حزب خانواده های کارگر که از کاندیداهای خود در بیرون و داخل حزب دموکرات حمایت می کنند، باعث کسب نفوذ بسیار ضروری بر روی نمایندگان منتخب حزب دموکرات می شود. حزب چای (Tea party) به دلیل اینکه نمایندگان حزب جمهوری خواه می دانند هر لحظه ممکن است جایگاه خود در یک انتخابات عمومی (با شرکت هر دو حزب) را بر اثر نفوذ این حزب از دست بدهند، قدرت قابل ملاحظه ای کسب کرده است. با این حال نمایندگان منتخب حزب دموکرات با رقابتی مشابه مواجه نیستند و بسیار بعید است که با رقیبی قدرتمند در مرحله اولیه انتخابات روبرو شوند.

سازمان های پیشرو بزرگ مانند فدراسیون آمریکایی کار و کنگره سازمان های صنعتی (AFL\_CIO) و نیز اتحادیه بین المللی کارمندان خدماتی (SIEU) با یکدیگر متحد می شوند تا طی هر دوره انتخابات و کارزارهای انتخاباتی عمومی صد ها میلیون دلار برای کاندیداهایی که در زمان نیاز کنار آن ها نمی ایستند خرج کنند. چنانچه آن ها حتی بخش کوچکی از این پول را برای حمایت از قدرت سیاسی مستقل از راه حمایت از کاندیداهای دور اول و رقابت بر سر صندلی های خالی خرج کنند، به دموکرات ها هشدار داده می شود که دیگر نمی توانند به نیروهای پایه ای خود بی توجه بمانند. تا زمانی که این تغییرات ایجاد نشده و گروه های هدفمند بزرگ در حزب دموکرات دست از خدمت به کل حزب برندارند و شروع به مجبور کردن حزب برای اینکه در جهت اهداف آن ها باشد، نکنند، روند های انتخاباتی همچنان به صورت دورباطل غیر مفید برای دنبال کردن تغییرات اجتماعی باقی می ماند.

\* این مطلب ترجمه ای است از مقاله How to Organize After Occupy Wall Street نوشته Leah Hunt-Hendrix و Max Berger منتشر شده در ۱۸ جون ۲۰۱۴ در <http://m.thenation.com/article/180309-how-organize-after-occupy-wall-street>

---

[← Previous post](#)

[Next post →](#)

---